

## The Critical Analysis of The Master Signifier and The Interaction of The Floating Signifiers in The Discourse of "Cloud Years" Novel Based on Laclau's Approach and Van Dijk's Ideological Square

**Reza Ghanbari**

**Abdolmaleki \*** 

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Damghan University, Damghan, Iran

**Ailin Firoozian**

**Pouresfahani** 

Assistant Professor, English translation department, Faculty of Humanities, Damghan University, Damghan, Iran

### Abstract

This study aimed to measure the articulation of the floating signifiers considering the master signifier of the discourse of "Cloud Years" novel using Ernesto Laclau's and Theon Van Dijk's theories based on structuralist perspective. This novel written by Ali Ashraf Darvishian is a meaningful collection of linguistic and metalinguistic signs. Considering this issue, in order to explain the discourse of this novel, the authors analyze its components and described the relationship between the floating signifiers and the master signifier; then examined the transformation of "social inequality" into the master signifier and consequently the growth of socialism discourse. The main question of the present study is that how the floating signifiers of the discourse have been formed based on the master signifier with the aim of stabilizing and giving meaning to it? Based on the descriptive-analytical method, the authors have examined the novel in question at three levels. The findings show that in this work, social inequality is considered as a master signifier in the formation of its discourse elements. Also, the floating signifiers, that the discourse of this novel is filled with, are articulated in the form of concepts such as "Social equality", all of which serve the master signifier. According to Theon Van Dijk's theory, polarization, irony, implication, metaphor, modality, comparison, agent, dramatization, explanation, repetition, and distancing are the most salient categories of ideological analysis in this discourse.

**Keywords:** Laclau, Van Dijk, Master signifier, Floating signifier, Cloud Years.

---

\* Corresponding Author: Abdolmaleki@du.ac.ir

**How to Cite:** Ghanbari Abdolmaleki, R., Firoozian Pouresfahani, A. (2022). The Critical Analysis of The Master Signifier and The Interaction of The Floating Signifiers in The Discourse of "Cloud Years" Novel Based on Laclau's Approach and Van Dijk's Ideological Square. *Language Science*, 9 (16), 141-167. Doi: 10.22054/LS.2021.57800.1419



## تحلیل انتقادی دال مرکزی و برهم کنش دال‌های شناور در گفتمان رمان «سال‌های ابری» بر اساس رویکرد لاکلائو و مربع ایدئولوژیک ون‌دایک

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه  
دامغان، دامغان، ایران

رضا قنبری عبدالملکی \*

استادیار گروه مترجمی زبان انگلیسی، دانشکده علوم انسانی،  
دانشگاه دامغان، دامغان، ایران

آیلین فیروزیان پوراصفهانی

### چکیده

این پژوهش بر آن است تا با تکیه بر نگرش ساختارگرایانه، مفصل‌بندی دال‌های شناور، حول دال مرکزی گفتمان رمان «سال‌های ابری» را با استفاده از نظریه‌های ارنستو لاکلائو و تئون ون‌دایک مورد سنجش قرار دهد. در این راستا، هدف اصلی مقاله آن است تا نشان دهد که چگونه نویسنده با جهت‌دهی به دال‌های گفتمان و استفاده از راهبردهای زبانی، تصویری گزینشی و انتخاب‌شده از جامعه عصر پهلوی، بازنمایی کرده است. این رمان از علی‌اشرف درویشیان، مجموعه‌ای معنادار از علائم و نشانه‌های زبانی و فرازبانی است. با توجه به این موضوع، نگارندگان به منظور تبیین گفتمان اثر، به تشریح اجزای مشکله آن و توضیح رابطه دال‌های شناور با دال مرکزی پرداخته؛ سپس زمینه‌های تبدیل «نابرابری اجتماعی» به دال مرکزی و به تبع آن رشد گفتمان سوسیالیسم را مورد بررسی قرار داده‌اند. پرسش اصلی پژوهش حاضر آن است که دال‌های شناور گفتمان با هدف تثبیت و معنابخشی به دال مرکزی، به چه نحو پیرامون آن شکل گرفته‌اند؟ نگارندگان با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی، رمان مورد بحث را در سه سطح مورد بررسی قرار داده‌اند. در ابتدا مؤلفه‌های گفتمان‌محور متن شناسایی شد. سپس با توجه به مؤلفه‌های یافته‌شده، ارتباط دال‌های شناور با دال مرکزی گفتمان مورد بررسی قرار گرفت. در مرحله آخر، پس از انجام تحلیل‌های کیفی، با استفاده از تحلیل کمی، درصد فراوانی دال‌های شناور و راهبردهای تحلیل ایدئولوژیکی، به صورت جدول و نمودار ارائه گردید. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در این اثر، نابرابری اجتماعی به عنوان دال مرکزی در شکل‌بخشی عناصر گفتمانی آن مطرح است. همچنین، دال‌های شناور که فضای گفتمان رمان، آکنده از آن‌هاست، در قالب مفاهیمی چون «مساوات اجتماعی»، «نفی استثمار»، «نفی استبداد»، و «آزادی» طوری مفصل‌بندی شده‌اند که همگی در خدمت دال مرکزی قرار دارند. در پیوند با نظریه تئون ون‌دایک، راهبردهای قطب‌بندی، کنایه، دلالت ضمنی، استعاره، وجهیت، مقایسه، توصیف کنشگر، دراماتیزه کردن، توضیح، تکرار، و فاصله‌گذاری، مهمترین مقوله‌های تحلیل ایدئولوژیکی در این گفتمان هستند.

کلمات کلیدی: لاکلائو، ون‌دایک، دال مرکزی، دال شناور، سال‌های ابری.

## ۱. مقدمه

نظریهٔ گفتمان ارنستو لاکلائو<sup>۱</sup> که در کتاب «هژمونی و راهبرد سوسیالیستی» (۱۹۸۵) شکل گرفت، در واقع بسط نظریهٔ گفتمان فوکو است. لاکلائو با استفاده از مفاهیمی چون دال مرکزی<sup>۲</sup>، دال شناور<sup>۳</sup>، مفصل‌بندی<sup>۴</sup>، غیریت‌سازی<sup>۵</sup>، بیناگفتمان<sup>۶</sup>، طرد<sup>۷</sup>، و هژمونی<sup>۸</sup> در چارچوبی منسجم به توصیف و شناخت گفتمان‌ها پرداخته است. از نظر او خلق معنا، فرایندی اجتماعی و شامل عمل تثبیت معنای نشانه‌ها در شبکهٔ روابط نشانه‌های دیگر است (یورگنسن و فیلیس<sup>۹</sup>، ۱۳۸۹: ۵۵-۵۴). بر همین اساس، معانی واژه‌ها، اشیاء و فعالیت‌ها در صورتی قابل فهم‌اند که در حوزهٔ گفتمانی خاصی قرار گیرد. از این رو، تحلیل‌گر گفتمان باید بتواند «سیستم پیچیده و پراکنده بین شمار متنوعی از اظهارات، قضایا و گزاره‌ها را تعریف کرده و حدود و ثغور آن را تعیین نماید» (مقصودی، ۱۳۹۲: ۸۸)؛ به شکلی که قادر باشد بین آن‌ها نوعی نظم و ارتباط متقابل برقرار کند. با توجه به این موضوع، مسألهٔ اصلی پژوهش حاضر، تحلیل مفصل‌بندی دال‌های شناور، حول گره‌گاه گفتمانی رمان «سال‌های ابری» است. بدین منظور، نگارندگان با رویکردی ساختارگرایانه و با کاربست مفاهیمی چون دال مرکزی، دال شناور، مفصل‌بندی، و غیریت‌سازی، به توصیف و شناخت این گفتمان پرداخته‌اند. دال مرکزی گفتمان، نابرابری اجتماعی است که در جهت‌بخشی و تعیین افق سایر عناصر در متن، نقش قابل توجهی دارد.

از آن‌جا که ایدئولوژی یکی از مهمترین مفاهیم تحلیل گفتمان در آرای ون‌دایک<sup>۱۰</sup> است، روش او در کنار الگوی لاکلائو برای تحلیل داده‌های این پژوهش به کار گرفته شده است. ایدئولوژی در کنار قدرت، دو بال اصلی گفتمان انتقادی را تشکیل می‌دهند. ون‌دایک با نظریه‌پردازی‌هایش راجع به این دو مفهوم، در پی نشان دادن آن است که چگونه دو گروه

- 
1. Ernesto Laclau
  2. Master Signifier
  3. Floating Signifier
  4. Articulation
  5. polarization
  6. Interdiscourse
  7. Exclusion
  8. Hegemony
  9. Jorgensen & Phillips
  10. Van Dijk

مقابل یکدیگر از «امکانات زبانی در راستای مشروعیت‌بخشی به قدرت خویش بهره می‌جویند» (صفایی و سلطانی، ۱۳۹۴: ۲۳).

پژوهش حاضر در چارچوب رویکردهای گفته‌شده، در پی پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها است: ۱. دال‌های شناور با هدف تثبیت و معنا‌بخشی به دال مرکزی گفتمان، به چه نحو پیرامون آن شکل گرفته‌اند؟ ۲. گفتمان سوسیالیستی و برابرخواهانه نویسنده چگونه دال‌های شناور متن را با چارچوب‌دهی به آن‌ها، به خدمت گرفته است؟ در رابطه با اهمیت و ضرورت انجام این پژوهش، باید به این مسأله اشاره کرد که تحلیل چگونگی مفصل‌بندی دال‌های اجتماعی و سیاسی در گفتمان درویشیان، به فهم ایدئولوژی بخش بزرگی از روشنفکران چپ گرای دهه‌های بیست تا پنجاه شمسی در ایران، کمک خواهد کرد.

## ۲. پیشینه پژوهش

با مرور منابع مرتبط با روش تحلیل گفتمان لاکلائو درمی‌یابیم که با نظر به این رویکرد، پژوهش‌های قابل توجهی به بررسی و شناخت رمان‌های معاصر ایران پرداخته‌اند. بررسی در این زمینه فقط به شناسایی چند اثر انگشت‌شمار انجامید که در ادامه معرفی می‌شوند.

نجمه حسینی (۱۳۹۲) در پژوهش خود به تحلیل گفتمان رمان «نیمه غایب» اثر حسین سناپور پرداخته، و با تکیه بر رویکرد پساساختارگرایی لاکلائو نشان داده است که نویسنده در این رمان، جدال سنت و تجدد را در جامعه شهری دهه شصت ایران بازنمایی کرده است. از میان چشم‌اندازهای مختلفی که می‌توان در این باره اتخاذ کرد، حسینی مسأله هویت و بازیابی آن را انتخاب نموده است. یافته‌های پژوهش او نشان می‌دهد که رمان سناپور تمام تعارض‌های گفتمان‌های متفاوت سنتی را نادیده گرفته و همه آن‌ها را تحت عنوان سنت، به شکلی مفصل‌بندی کرده است که در تضاد با گفتمان تجدد قرار می‌گیرد.

شاکری و دزفولیان (۱۳۹۳) با کاربردی روش لاکلائو، گفتمان‌های عمده مقطع زمانی ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ را شناسایی کرده و به سنجش پیوند میان آن‌ها و گفتمان موجود در رمان «ده نفر قزلباش» از حسین مسرور پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد گونه خاصی از گفتمان ملیت‌گرا در این رمان وجود دارد که عناصری از گفتمان سلطنت‌طلبی را هم در خود مفصل‌بندی کرده است.

صفایی و همکاران (۱۳۹۷)، گفتمان داستان «پسرک لب‌فروش» نوشته صمد بهرنگی را با توجه به رویکرد تحلیل گفتمان لاکلائو و موف مورد بررسی قرار داده‌اند تا مشخص شود

که کدامیک از عوامل فرامتنی و متنی در صورت‌بندی گفتمان آن نقش داشته‌اند. یافته‌های این تحقیق بیان‌گر آن است که گرایش سیاسی - اجتماعی بهرنگی سهم زیادی در به چالش کشیدن گفتمان تحولات اجتماعی و اقتصادی چون برنامه اصلاحات ارضی و پیامدهای آن داشته است.

شایان ذکر است که هرچند تعدادی پژوهش در دست است که بر مبنای رویکرد ون‌دایک به تحلیل برخی از اشعار کهن و نو فارسی پرداخته‌اند، اما تا آنجا که بررسی نگارندگان نشان می‌دهد، تاکنون تحقیقی با توجه به این نظریه در رابطه با تحلیل انتقادی داستان و رمان‌های معاصر فارسی منتشر نشده است.

حامدی شیروان و زرقانی (۱۳۹۳) در تحقیق خود، داستان رستم و شغاد از شاهنامه را در چارچوب مربع ایدئولوژیک<sup>۱</sup> ون‌دایک مورد بررسی قرار داده‌اند. آن‌ها از طریق تحلیل مؤلفه‌های گفتمان‌مدار موجود در متن، نشان داده‌اند که تدوین‌کنندگان روایت شغاد با بهره‌گیری از تمهیدات گفتمانی تلاش کرده‌اند تا جنبه‌های منفی رستم و زال را بسیار کم‌رنگ کرده و از چشم‌ها دور کنند و در مقابل، ابعاد منفی رفتار و شخصیت شغاد را چند برابر نشان دهند. همچنین، جنبه‌های مثبت رفتار و شخصیت زال و رستم را تکثیر کرده و ابعاد مثبت رفتار و شخصیت شغاد و شاه کابل را کاملاً محو کنند.

میراحمدی و تجلی (۱۳۹۶) در مقاله خود درهم‌تنیدگی اوصاف طبیعت و احوال اجتماع در برخی از اشعار مهدی اخوان ثالث را بر اساس نظریه گفتمان انتقادی ون‌دایک مورد تحلیل قرار داده‌اند. در این پژوهش نشان داده شده است که چگونه اخوان با تمهیدات بلاغی، گزینش واژگانی و ساختار نحوی زبان، استفاده از وجوه خاص جمله و زمان فعل می‌کوشد تا گفتمانی در جهت خدمت به محرومان و مبارزه با سلطه خلق کند تا از این رهگذر تغییراتی را به نفع ستم‌دیدگان رقم زند. هدف اخوان از توصیفات طبیعی صرفاً وصف طبیعت نیست، بلکه او در توصیفات خود از طبیعت، علاوه بر وصف به دنبال ترسیم اوضاع پریشان جامعه، برجسته‌سازی ویژگی‌های منفی دشمن (همچون ظلم و استبداد) و در عین حال، تأکید بر خصوصیت شجاعت و پایداری مردم ایران است. بدین ترتیب، اخوان در اشعار خود به بیان و تأکید بر اطلاعاتی که حاوی نکات مثبت درباره «خودی» و ذکر اطلاعاتی که حاوی نکات منفی درباره «دیگری» است، می‌پردازد.

جهان‌نیده (۱۳۹۶) در پژوهش خود با تأکید بر شعر شاملو به این اصل توجه دارد که تلمیح نمی‌تواند بدون ایدئولوژی، ویژگی بینامتنی خود را در متن تثبیت کند. رویکرد تحقیق وی تحلیل گفتمان انتقادی است و با توجه به آرای ون‌دایک، جهت‌های ایدئولوژیک زبان و اندیشه او را نشان می‌دهد. یافته‌های این نوشتار حاکی از آن است که مرکزی‌ترین تلمیح اشعار شاملو، واکاوی مبارزه و مقاومت مسیح است. شاملو با نقاب مسیح توانست از ابتدای دهه سسی تا میانه دهه چهل، به ستایش مبارزانی بپردازد که در برابر گفتمان مسلط مقاومت کرده بودند.

بدیهی است هیچ‌یک از پژوهش‌هایی که در سطور بالا ذکر شد، به بررسی داستان‌های معاصر ایران، به‌ویژه آثار علی‌اشرف درویشیان نپرداخته‌اند؛ درحالی‌که آثار این نویسنده سوسیالیست در پرتو نظریه گفتمان لاکلاو، زوایای مهمی از بافت سیاسی و روابط قدرت در ایران معاصر را نشان می‌دهد. با در نظر گرفتن این مسأله، جستار حاضر نخستین جستار در بررسی آثار علی‌اشرف درویشیان از منظر گفتمان‌کاوی لاکلاو به شمار می‌آید.

### ۳. روش

به‌طور کلی، روش لاکلاو ابزاری مناسب برای تحلیل ساختاری متن در اختیار هر گفتمان‌کاو قرار می‌دهد. از این رو، برای تحلیل داده‌های این پژوهش و توضیح ساختار گفتمان رمان، این روش با رویکردی ساختارگرایانه مورد استفاده قرار گرفته است. نگارندگان در جستار پیش‌رو با تکیه بر روش توصیفی - تحلیلی و با هدف پاسخگویی به پرسش‌های تحقیق، رمان «سال‌های ابری» اثر علی‌اشرف درویشیان را در سه سطح مورد مطالعه قرار دادند. در سطح اول، بعد از خواندن دقیق متن چهار جلدی رمان، مؤلفه‌های گفتمان‌محور در آن شناسایی شد. سپس در سطح دوم، با توجه به مؤلفه‌های یافته‌شده، ارتباط دال‌های شناور گفتمان با دال مرکزی مورد بررسی قرار گرفت. از آنجا که مفاهیم ایدئولوژیک موجود در این اثر، از طریق زبان بازنمایی شده‌اند، به دقت سعی شد که شبکه پیچیده دال و مدلول‌های این گفتمان کشف شود تا ایدئولوژی نهفته در پس ظاهر آن آشکار گردد. در مرحله آخر و سطح سوم، پس از انجام تحلیل‌های کیفی، با استفاده از تحلیل کمی، درصد فراوانی دال‌های شناور گفتمان و راهبردهای تحلیل ایدئولوژیک، به صورت جدول و نمودار ارائه گردید.

#### ۴. چارچوب نظری پژوهش

بعد از تیر اصلی بهتر است توضیحی کوتاه از آنچه که قرار است در این بخش بیاید، ارائه شود

#### ۴ - ۱. نظریه تحلیل گفتمان لاکلائو

رویکردهای مختلف تحلیل گفتمان انتقادی، شباهت‌ها و اختلاف‌هایی با هم دارند، اما همه آنها در این مورد اتفاق نظر دارند که باید از توصیف صرف زبانی عبور کرد تا بتوان به تبیین دست یافت و نشان داد که نابرابری‌های اجتماعی در زبان خلق، و در زبان، منعکس می‌شوند (پنیکو ک<sup>۱</sup>، ۱۳۷۸: ۱۲۸). یکی از مهمترین این رویکردها که مبنای مطالعه حاضر قرار گرفته است، رویکرد انتقادی ارنستو لاکلائو است.

تعریف گفتمان از نظر لاکلائو (۱۹۸۵: ۱۰۵)، عبارت از «آن کلیت ساختاریافته از عمل مفصل‌بندی» است. وی نظریه خود را در گفتمان، بیشتر بر مبنای واسازی دریدا<sup>۲</sup>، تبارشناسی فوکو<sup>۳</sup> و هژمونی گرامشی<sup>۴</sup> بنا نهاده است. وی هرچند رابطه‌ای بودن نظام نشانه‌شناختی گفتمان را از نظریات سوسور<sup>۵</sup> اقتباس کرده است، اما به تبعیت از دریدا قائل به ثابت بودن رابطه دال و مدلول نیست و معتقد است که دال‌ها معنای خود را در هنگام کاربردشان به دست می‌آورند؛ یعنی در شرایط متفاوت، مدلول‌های مختلفی به دال منتسب می‌شوند.

نظریه و روش تحلیل گفتمان لاکلائو امروزه کاربرد گسترده‌ای در علوم اجتماعی و خصوصا علوم سیاسی دارد. آنچه این نظریه را از دیگر نظریه‌های گفتمان متمایز می‌کند، تسری گفتمان از حوزه فرهنگ و زبان‌شناسی به حوزه سیاست و جامعه است. لاکلائو با تلفیق دو نظریه مارکسیسم و ساختارگرایی، نظرات خود را در قالب یک نظریه پساساختارگرا مطرح ساخت. مارکسیسم زمینه‌های پرداختن به امر اجتماعی را فراهم کرد و ساختارگرایی نظریه‌ای درباره معنا ارائه نمود (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۴).

به عقیده لاکلائو (۱۹۸۵: ۱۱۲) یک گفتمان، «از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌گاه‌های خاصی شکل می‌گیرد» و کلّیتی است که در آن هر نشانه‌ای در قالب یک بُعد و

- 
1. Pennycook
  2. Jacques Derrida
  3. Michel Foucault
  4. Antonio Gramsci
  5. Ferdinand de Saussure

به واسطه رابطه‌اش با سایر نشانه‌ها تثبیت شده است. این عمل از طریق طرد سایر معناهایی که نشانه می‌توانست داشته باشد، انجام می‌گیرد؛ یعنی کلیه روابطی که ممکن است نشانه‌ها با یکدیگر داشته باشند (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۵۷).

شایان ذکر است که نظریه گفتمان لاکلائو بر چهار عنصر «دال مرکزی»، «دال شناور»، «مفصل‌بندی»، و «غیریت‌سازی» بنا شده است که در ادامه به توضیح آن‌ها می‌پردازیم.

#### ۱-۱-۴. دال مرکزی

دال مرکزی، دالی است که در بین دال‌ها بتواند انسدادی در معنای خود ایجاد کند و تمامی دال‌ها پیرامون آن مفصل‌بندی شوند (یورگنسن و فیلیس، ۱۳۸۹: ۵۷). این دال، دال‌های دیگر را در قلمرو جاذبه معنایی خود نگه می‌دارد (خلجی، ۱۳۸۶: ۵۴). بر این اساس، کل نظام معنایی یک گفتمان بر حول دال مرکزی آن استوار است.

#### ۲-۱-۴. دال شناور

دال‌های شناور در گفتمان، عناصری<sup>۱</sup> هستند که به روی انتساب معانی بازند (Laclau, 1990: 28). این عناصر، نشانه‌هایی است که معنای آن‌ها هنوز تثبیت نشده است و گفتمان‌های مختلف در تلاش برای معناداری به آنها هستند. در آرای لاکلائو (۱۹۸۵: ۱۰۵) معنای دال‌های سیال درون یک گفتمان که مدلول آن غیرثابت است، حول دال مرکزی انسجام می‌یابد. از این نظر، هر نشانه‌ای معنی و هویت خود را تنها با قرار گرفتن درون شبکه‌ای از نشانه‌های دیگر که روی هم رفته یک نظام شبکه‌ای را تشکیل می‌دهند، کسب می‌کند.

#### ۳-۱-۴. مفصل‌بندی

مفصل‌بندی به کرداری اطلاق می‌شود که میان عناصر پراکنده ارتباط برقرار کند؛ به نحوی که هویت و معنای این عناصر در نتیجه این عمل اصلاح و تعدیل شود (Laclau, E & Mouffe, 2001: 105). کلیت منسجمی که در نتیجه این مفصل‌بندی حاصل می‌شود، گفتمان نام دارد (لاکلائو و موف<sup>۲</sup>، ۱۳۹۲: ۱۷۱). به بیان دیگر مفصل‌بندی، فرایندی است که نشانه‌ها با یکدیگر پیوند می‌خورند و یک نظام معنایی را شکل می‌دهند. هوارث<sup>۳</sup> (۱۳۷۹:

---

1. Elements  
2. Laclau & Mouffe  
3. David Howarth



(۱۴۰) ضمن اشاره به این که عمل مفصل‌بندی، مستلزم تثبیت معنای تعدادی از نشانه‌ها پیرامون یک گره‌گاه است، این مفهوم را به معنی گردآوری اجزای مختلف و ترکیب آنها در یک هویت جدید می‌داند. گفتنی است این عمل در گفتمان باعث می‌شود تا «معنای نشانه‌ها گاه چنان رایج و مرسوم شود که کاملاً بدیهی به نظر برسد» (حسینی، ۱۳۹۲: ۱۰۰).

#### ۴-۱-۴. غیریت‌سازی

فهم نظریه گفتمان لاکلائو در ارتباط با فهم مفهوم «غیریت» است. از آن‌جا که گفتمان‌ها در ضدیت با یکدیگر شکل می‌گیرند، هویت‌یابی هر گفتمان در تعارض با گفتمان‌های دیگر امکان‌پذیر خواهد بود. بنابراین، هویت یک گفتمان منوط به وجود غیر است و بر همین اساس، گفتمان‌ها دائماً در مقابل خود «غیریت‌سازی» می‌کنند.

#### ۴-۲. مربع ایدئولوژیک و ن‌دایک

و ن‌دایک تحلیل گفتمان انتقادی را نوعی تحلیل می‌داند که روش‌های سوءاستفاده از قدرت اجتماعی، سلطه و نابرابری و نیز مقاومت متون در بافت‌های اجتماعی و سیاسی در مقابل آن‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۲۱). از این جهت، عمده آرای و ن‌دایک به مقوله ایدئولوژی در گفتمان، به‌ویژه رابطه آن با قدرت می‌پردازد. وی برخلاف نظریه‌پردازانی چون گرامشی<sup>۱</sup> و آلتوسر<sup>۲</sup>، ایدئولوژی را به مثابه یک مفهوم عام به کار می‌برد. صرف نظر از این که آیا این مفهوم عام می‌تواند امکان نقد قدرت را فراهم سازد یا خیر، روی هم رفته، مفهوم قدرت در اندیشه این زبان‌شناس انتقادی، بسیار با ایدئولوژی مرتبط است. و ن‌دایک ویژگی‌های متضاد گفتمان‌های رایج در جوامع را تحت عنوان «مربع ایدئولوژیک» تشریح می‌کند که بر چهار رکن استوار است و به نظر او طرفداران هر ایدئولوژی در سطوح مختلف از آن استفاده می‌کنند: ۱. تأکید بر ویژگی‌های مثبت خودی؛ ۲. تأکید بر ویژگی‌های منفی غیر خودی، ۳. رفع تأکید از ویژگی‌های منفی خودی؛ ۴. رفع تأکید از ویژگی‌های مثبت غیر خودی (Van Dijk, 2000: 44-45). مربع ایدئولوژیک، ساخت کلانی است که استراتژی‌های زبانی در سطح خرد بر اساس آن طراحی می‌شوند. این

---

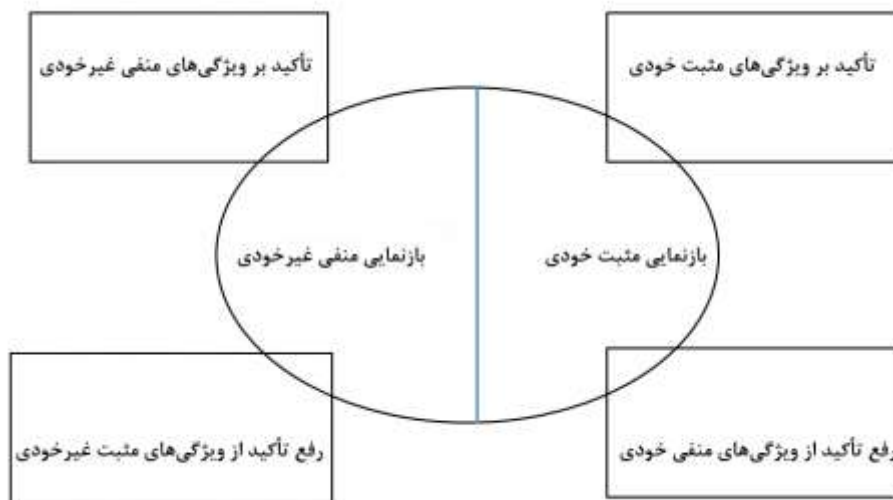
۱. Antonio Gramsci

۲. Louis Althusser

مربع معناشناختی، قطب‌بندی و فاصله بین درون‌گروهی و برون‌گروهی، یا به تعبیر دیگر، خودی و غیرخودی را نشان می‌دهد.

الگوی کلی تئون‌ون‌دایک دربرگیرنده دو سطح کلان<sup>۱</sup> و خرد<sup>۲</sup> است. سطح کلان، در حقیقت سطح انتزاعی است که با استفاده از آن، به توصیف و تحلیل ارتباط میان گروه‌ها و کنش‌گران اجتماعی، نهادها و سازمان‌ها در جامعه، از یک سو، و لحاظ کردن مفاهیم فرازبانی از قبیل ایدئولوژی، قدرت، سیاست و سلطه در گفتمان از سویی دیگر، پرداخته می‌شود. در سطح خرد نیز، به عنوان سطح ملموس و عینی گفتمان، صورت‌ها و ساخت‌های زبانی در بافت موقعیتی بررسی و تحلیل می‌شوند (طاهرزاده و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۳).

شکل ۱. نمودار مربع ایدئولوژیک‌ون‌دایک



## ۵. خلاصه داستان

این رمان، روایت چهل سال از زندگی پسری به نام «شریف داوریشه» است. وی فرزند اول خانواده‌ای فقیر و سنتی است که تحت تأثیر دایی‌اش و شخصی به نام «آقا مرتضی» وارد فعالیت‌های انقلابی شده است. شریف که در شرایط سخت مالی در دانش‌سرای عالی مشغول

۱. Macro-level

۲. Micro-level

به تحصیل است، با دیدن وضعیت نابسامان اطرافیان و جامعه‌اش دست به اعتراض می‌زند. او که پس از فراغت از تحصیل، به عنوان معلم به روستاهای گیلانغرب رفته است، در آنجا در برابر بی‌عدالتی و ستمی که بر روستاییان روا داشته می‌شود، به اعتراض برمی‌خیزد. این فعالیت‌ها مسیر زندگی او را با فراز و نشیب‌های زیادی روبه‌رو می‌کند که نهایتاً منجر به بازداشتش می‌شود. شریف چندین بار به زندان محمدرضا شاه می‌افتد و به‌طور موقت آزاد می‌شود تا این که در آبان ۱۳۵۷، هم‌زمان با آزادی زندانیان سیاسی، به‌طور کلی از حبس خارج می‌گردد.

## ۶. تحلیل داده‌ها

بعد از تیتیر توضیحی داده شود

### ۱-۶. غیریت‌سازی در گفتمان رمان

غیر یا دیگری در هر گفتمان، اهمیت ویژه‌ای دارد، چراکه از نظر تولیدکننده گفتمان، «دیگری» از دایره خودی‌ها بیرون و وابسته به گفتمان‌های دیگر است. در همین ارتباط، برای شناسایی گفتمان رمان، در ابتدا باید به شناخت «دگر»های آن پرداخت. بدین منظور ریشه غیریت‌سازی گفتمان مورد بحث را در تقابل عدالت‌خواهی مدنظر نویسنده با تمامیت‌خواهی<sup>۱</sup> گفتمان حاکمیت می‌توان جستجو کرد.

پاره‌گفتار ۱ خُب، پس عقیده داری که این شاه جدید [محمدرضا شاه] با او [رضاشاه] فرق دارد. این ظالم است و جنایت می‌کند. اما تو برای همین شاه جدید هم هورا کشیده‌ای (درویشیان، ۱۳۷۹: ۹۴۶).

چنانکه در پاره‌گفتار فوق پیداست، نویسنده با نظر به عملکرد گفتمان حاکمیت، یعنی محمدرضا شاه، آن را در قالب «غیرخودی» صورت‌بندی کرده و در یک فرایند غیریت‌سازانه، گفتمان خود را به عنوان «خودی» در تقابل با آن گفتمان قرار داده است. با رجوع به آرای ون‌دایک در مقوله قطب‌بندی<sup>۲</sup>، بهتر می‌توان ابعاد ایدئولوژیک این غیریت‌سازی را بررسی کرد. به عقیده ون‌دایک (۲۰۰۳: ۸۰)، وقتی گروه‌ها در گفتمان،

---

۱. Totalitarianism

۲. Polarization, Us-Them Categorization

شناخته و دسته‌بندی می‌شوند، می‌توان به آن‌ها ویژگی‌های مثبت یا منفی‌ای نسبت داد. از این رو قطب‌بندی ممکن است به صورت زیرمجموعه خوب و بد در مورد برون گروه نمود پیدا کند. بدیهی است که با توجه به این راهبرد، ساختار دوگانه رمان مورد بحث، با مقایسه گفتمان‌های عدالت‌خواهی و تمامیت‌خواهی که مبتنی بر قطب‌بندی «ما / آنها» است، مفصل‌بندی می‌شود. با استفاده از این راهبرد، کنش‌گران اجتماعی گفتمان به دو گروه «مثبت یا خودی» و «منفی یا غیرخودی» تقسیم می‌شوند و بر بستر این قطبی‌سازی گفتمانی، ایدئولوژی نویسنده تجسم می‌یابد.

### ۲-۶. دال مرکزی در گفتمان رمان

هنگام صحبت از چگونگی شکل‌گیری یک گفتمان، در ابتدا لازم است در معانی شکل‌دهنده اصول اساسی آن گفتمان تأمل نمود. بدین منظور در بدو کار باید دال‌های شناور و عناصر مجزای گفتمان را در پیوند با یکدیگر و در ارتباط با دال مرکزی گفتمان توضیح داد. از این رو، اگر سوسیالیسم را به مثابه یک متن قرار دهیم، بررسی چگونگی شکل‌گیری آن به شناسایی مؤلفه‌ها و ویژگی‌های این گفتمان در رمان نیازمند است. بر همین اساس، دال مرکزی گفتمان رمان، «نابرابری اجتماعی» است که دال‌هایی چون «مساوات»، «محرومیت»، «نفی استثمار»، «نفی استبداد»، و «آزادی» به عنوان دال‌های شناور، حول آن مفصل‌بندی شده‌اند. به بیان دیگر، تمام دال‌های سیال گفتمان در ارتباط با این دال مرکزی است که مدلول خود را می‌یابند و گرنه در یک تلاطم بی‌پایان سیر خواهند کرد و رابطه دلالتی در گفتمان رمان تثبیت نخواهد شد.

### ۳-۶. دال‌های شناور و عناصر متشکله گفتمان رمان

مانند قبل

#### ۱-۳-۶. دال مساوات اجتماعی

مساوی بودن همه اقشار جامعه در راستای رسیدن به عدالت اجتماعی، مورد توجه و تأکید درویشیان در گفتمان رمان است. در واقع، با دستیابی «نابرابری اجتماعی» به جایگاه مرکزی در گفتمان مورد مطالعه، دال «مساوات اجتماعی» نیز همچون مابقی عناصر، تنها در پرتو آن معنای خاص خود را می‌یابد. از این جهت، سوسیالیسم مورد توجه نویسنده، دیگر

ایدئولوژی‌ای برای سرنگون کردن جامعه سرمایه‌داری نیست، بلکه در خدمت یک آرمان بزرگ‌تر یعنی مساوات کامل اجتماعی است که در گفتمان به روشنی بازتاب یافته است. نویسنده در پاره‌گفتار ذیل، با تأکید بر فاصله شدید طبقاتی در جامعه، این مسأله را مورد انتقاد قرار داده است که حتی در هنگام وقوع بحران‌هایی نظیر جنگ، به جای آنکه ثروتمندان، اقشار محروم را مورد تفقد قرار دهند، از وضعیت پیش آمده در جهت افزایش ثروت خود بهره‌برداری می‌کنند. بدین ترتیب، جامعه ایرانی گام به گام از دستیابی به «مساوات اجتماعی» دورتر می‌شود و فاصله بین طبقات فرودست و فرادست در آن بیشتر می‌گردد.

پاره‌گفتار ۱ - انگریز برای ما چه آورده؟ مالاریا. قحطی و گرسنگی. مریضی و سرگردانی و گرانی. ما که چیزی نداریم موقع جنگ گران بشود. برای بعضی‌ها جنگ شد کوه خیر. برای آن‌که انبارهاشان پر بود، قیمت‌ها ده برابر شد. واجب‌الحج شدند (درویشیان، ۱۳۷۹: ۷۳).

در پاره‌گفتار فوق، جمله «واجب‌الحج شدند!»، به لحاظ گفتمانی، حاوی معنای ایدئولوژیکی مهمی است. در چارچوب مقوله‌های بلاغی ون‌دایک (۲۰۰۳: ۷۶)، نویسنده با کاربست راهبرد «کنایه»، هنگام صحبت کردن در مورد ثروتمندان جامعه، از عقاید و باورهای ایدئولوژیکی آنها (یعنی واجب‌الحج بودن) به صورت تحقیرآمیز یاد کرده است. یکی دیگر از نکات مهم گفتمانی در قطعه زبانی فوق، شکل کاربرد واژه انگلیس در زبان «بوچان» است که به صورت «انگریز» تلفظ شده است. بدیهی است نویسنده در پیوند با راهبرد «واژگان‌گرایی»<sup>۲</sup> که یکی از استراتژی‌های مهم زبانی در تحلیل گفتمان ون‌دایک (۲۰۰۳: ۷۷) است، خواسته است تا کم‌سوادی پدر «شریف» را بدین وسیله به مخاطب نشان دهد. این شکل از بازنمایی ایدئولوژیکی، در پیوند با دال مرکزی گفتمان، یعنی «نابرابری اجتماعی» است. درویشیان بدین گونه جامعه‌ای را در گفتمان خود به تصویر کشیده است که در آن، همه اقشار اجتماعی نمی‌توانند امکان بهره‌مندی از سواد را داشته باشند. این دال با ۱۹٪ فراوانی، در کنار دال «آزادی»، دومین دال شناور در گفتمان از نظر تکرار است.

- 
1. Irony
  2. Lexicalization

### ۲-۳-۶. دال محرومیت اقتصادی - اجتماعی

در پیوند با دال پیش گفته شده، برجسته‌سازی «محرومیت اقتصادی- اجتماعی»، از دال‌های شناور مهم در گفتمان نویسنده است که در خدمت گره‌گاه اصلی قرار دارد. در قطعه معنایی ذیل، «شریف» با اشاره به نابرابری شدید اجتماعی (دال مرکزی)، محرومیت مردم گیلانغرب از کمترین امکانات رفاهی (دال شناور)، از جمله حمام را مورد تأکید قرار داده است.

پاره گفتار ۲ از وقتی به گیلانغرب آمده‌ام. شش ماه می‌گذرد. در این مدت حمام نرفته‌ام. از غلامرضا می‌پرسم «شما خودتان مگر به حمام نمی‌روید؟»  
- ای آقای داوریشه، مگر ما مرغابی هستیم که هر ساعت آب‌تنی کنیم. آدم سالی یک بار خودش را کنار رودخانه می‌شوید (درویشیان، ۱۳۷۹: ۹۴۷).

درویشیان با اشاره به دال محرومیت در گفتمان خود، به‌طور ضمنی توزیع نابرابر رفاه در جامعه عصر پهلوی را برجسته‌سازی کرده است تا در چارچوب تأکید بر ویژگی‌های منفی «دیگری»، ایدئولوژی خود را منعکس نماید. در پیوند با آرای ون‌دایک (۲۰۰۳: ۷۴)، این استراتژی زبانی را می‌توان «دلالت ضمنی»<sup>۱</sup> نامید. یعنی درویشیان با بهره‌گیری از این راهبرد، کنش‌های دولت محمدرضاشاه را در گفتمان خود نادیده گرفته و بدین طریق او را که جز فقر و محرومیت برای کشورش ارمغانی نداشته، به‌عنوان «غیر خودی» مورد سرزنش قرار داده است.

«استعاره»<sup>۲</sup> به‌عنوان یکی از راهبردهای بلاغی ون‌دایک، نقش موثر ایدئولوژیک در قطعه زبانی فوق دارد. ون‌دایک (۲۰۰۳: ۷۷) استعاره را یکی از مهمترین فرم‌های بلاغی برای تأکید بر معانی ایدئولوژیک می‌داند و معتقد است که تعداد کمی از اشکال بلاغی به اندازه استعاره، متقاعدکننده خواهند بود. درویشیان با استفاده از استعاره «مرغابی» در کلام «غلامرضا»، مفهوم فقر را در گفتمان این کنشگر عینی‌تر کرده است و در پیوند با این استعاره، ایدئولوژی خود را که نقد دولت است، مطرح می‌نماید. به‌طور کلی استعاره‌ها در گفتمان این نویسنده سوسیالیست، بیانگر ارزش‌های تجربی رمزگذاری شده در متن هستند. درویشیان کلیه جنبه‌های تجربه کنشگران رمان خود را به‌وسیله استعاره بازنمایی می‌کند، چرا که استعاره‌های

---

1. Implication  
2. Metaphor

مختلف دارای وابستگی‌های ایدئولوژیک متفاوتی هستند. معنای ایدئولوژیک استعاره «مرغابی» در پاره گفتار فوق این است که این کلمه، بیان‌کننده محرومیت مردمی است که به شکلی کاملاً غیرانسانی (تلویحا حیوان‌وار) زندگی می‌کنند. شایان ذکر است که راهبرد بلاغی استعاره در گفتمان درویشیان، صرفاً عنصر زیبایی‌شناختی نیست، بلکه وسیله‌ای است در خدمت بیان ایدئولوژی.

یکی از پرسش‌های مهمی که در تحلیل گفتمان انتقادی مطرح است، این است که در عبارات از کدام «وجه»‌ها استفاده شده است؟ در این رابطه، وجه کلام «غلامرضا» به لحاظ گفتمانی حائز اهمیت است. جمله «آدمی سالی یک بار خودش را کنار رودخانه می‌شوید»، با وجه اخباری بیان شده است. بدیهی است که وجه اخباری، وضعیت‌های بیان‌شده در گفتمان را به صورت واقعیت قطعی نشان می‌دهد. در همین راستا، قاطعیت نویسنده در بیان موضوعی که از زبان «غلامرضا» با وجه اخباری گفته شده است، بیان‌گر باور قطعی او به وجود معضل فقر و محرومیت در جامعه است. شایان ذکر است که فراوانی تکرار این دال (۳۴٪) در ساختار گفتمان رمان، بیش از سایر دال‌های شناور در آن است.

### ۳-۳-۶. دال نفی استثمار

یکی دیگر از دال‌های شناور که گفتمان رمان پیرامون آن شکل گرفته، «نفی استثمار» است که نویسنده می‌کوشد تا از طریق مفصل‌بندی، به نحوی آن را تثبیت نماید. در این گفتمان، جامعه ایران به اکثریت استثمارشده (گروه خودی) و اقلیت استثمارگر (گروه غیرخودی) تقسیم شده است. عوامل اصلی تولید، یعنی زمین‌های حاصلخیز و صنایع بزرگ در اختیار گروه استثمارگر (خوانین و صاحبان صنایع) است که با تسلط بر ابزار تولید، اکثر توده‌های ایران (زارعان و کارگران صنعتی) را تحت سلطه خود درآورده‌اند. شکل کاربرد این دال شناور در گفتمان نویسنده، بیان‌گر ایدئولوژی برابرخواهانه و سوسیالیستی اوست.

پاره گفتار ۳ صبح زود از مسافرخانه می‌زنم بیرون. آقا مرتضی در پشت یک وانت بار که سقش با برزنت پوشیده شده، برایم جا گذاشته.  
- می‌بخشی شریف. جلو وانت بار، جای خان‌هاست. گرچه راه طولانی است،  
اما می‌دانم که تحملش را داری. (درویشیان، ۱۳۷۹: ۸۴۴).

نویسنده در پاره‌گفتار فوق، از زبان «آقا مرتضی» بر دال مرکزی گفتمان خود یعنی «نابرابری اجتماعی» تأکید می‌کند. تقابل «شریف» با «خان» در این قطعهٔ زبانی، یک تقابل ایدئولوژیک است. شریف با وجود تحصیلات عالی و شغل معلمی، فقط به واسطهٔ تعلقش به طبقه‌ای پایین‌تر باید در جایی پست‌تر از خان که مظهر استثمار اقتصادی و اجتماعی است، بنشیند.

با توجه به مقوله‌های تحلیل ایدئولوژیکی ون‌دایک، نویسنده توانسته است با استفاده از راهبرد «مقایسه» (Van Dijk, 2003: 65)، نکات منفی کنشگران برون‌گروه را برجسته‌سازی کند. این راهبرد که از ظرفیت ایدئولوژیکی قابل توجهی برخوردار است با مقایسهٔ کنشگران وابسته به دو طبقهٔ متفاوت اجتماعی (استثمارگران و استثمارشدگان)، دوگانهٔ معناداری را در گفتمان خلق کرده است. راهبرد «مقایسه» آن‌گونه که در این جا مد نظر است، نوعاً به هنگام صحبت در مورد اکثریت محروم جامعه رخ می‌دهد؛ یعنی زمانی که تولیدکنندهٔ گفتمان به سنجش و مقابلهٔ درون‌گروه‌ها و برون‌گروه‌ها می‌پردازد. در ارتباط با راهبرد مقایسه، و در چارچوب دال شناور مورد بحث، قطعهٔ زبانی ذیل نیز گفتمان ایدئولوژیک رمان را در ارتباط با دال مرکزی آن، به خوبی نشان می‌دهد.

پاره‌گفتار ۴ یارو تعظیمی کرد و گفت: «جناب عباس‌خان، ابراهیم بهرام در خدمت جنابعالی حاضرند». عباس‌خان خرناسی کشید. به من اشاره کرد که نزدیک بروم (درویشیان، ۱۳۷۹: ۸۵۹).

تحلیل گفتمان پیشکار عباس‌خان در پاره‌گفتار فوق، دربردارندهٔ نکات مهم ایدئولوژیکی است. وی در رابطه با «عباس‌خان»، او را با استفاده از کلمهٔ جناب، «نام‌دهی»<sup>۲</sup> می‌کند، درحالی‌که «ابراهیم بهرام»، کنشگر متعلق به طبقهٔ پایین جامعه، حتی با کلمهٔ «آقا» - به‌عنوان مرسوم‌ترین لقب برای عنوان‌دهی مردان ایرانی - نام‌دهی نمی‌شود. در رابطه با دال شناور استثمار در گفتمان مورد بحث، لقب‌دهی کنشگران، هدفمند و به مثابهٔ ابزاری در خدمت بیان ایدئولوژی نویسنده است.

---

1. comparison  
2. Nomination



به عقیده ون لیوون<sup>۱</sup> (۲۰۰۸: ۴۰)، این نوع لقب‌دهی<sup>۲</sup> ایدئولوژیک می‌تواند بیان‌گر نکات اجتماعی مهمی در مورد شخصیت‌ها یا طبقات اجتماعی در گفتمان باشد. ون‌دایک (۲۰۰۳: ۶۲) نیز در راهبردهای خود ذیل عنوان «توصیف کنشگر<sup>۳</sup>»، به این نکته مهم گفتمانی اشاره کرده است. به عقیده وی شیوه‌ای که کنشگرها در گفتمان توصیف می‌شوند، به ایدئولوژی ما وابسته است (Van Dijk, 2005: 735). ممکن است کنشگران به عنوان اعضای گروه‌ها یا به عنوان افراد، با نام کوچک یا بزرگ، بنا به کارکرد، نقش یا نام گروه، به عنوان مشخص یا نامشخص به واسطه کنش‌ها یا خصیصه‌های آن‌ها، به واسطه جایگاه یا رابطه‌شان با افراد دیگر و مانند آن معرفی شوند (ون‌دایک، ۱۳۹۴: ۸۷). در پیوند با گفته‌های ون‌دایک، شیوه توصیف ثروت عباس‌خان به عنوان یک استعمارگر محلی (کنشگر غیرخودی)، توانایی نویسنده در تثبیت دال‌های شناور گفتمان و جهت‌دهی آن‌ها پیرامون نابرابری اجتماعی به عنوان دال مرکزی را به خوبی نشان می‌دهد:

پاره‌گفتار ۵      املاکش از شاه‌آباد غرب می‌رفت تا پشت کوه و ایلام و از آن طرف از گیلانغرب تا مرز خسروی. گله‌های بی‌شمار بود. پول‌ها و جواهرات و خانه و بیلاق و ماشین و آی خدا چه بگویم. در کله من آن همه عدد و حساب نمی‌گنجید (درویشیان، ۱۳۷۹: ۸۶۱).

بدیهی است که «دراماتیزه کردن<sup>۴</sup>» چنان‌که در راهبردهای ون‌دایک مطرح است، در قطعه زبانی فوق نیز دیده می‌شود. ون‌دایک (2003: 68) این راهبرد را به همراه «مبالغه»، شیوه‌های آشنا برای اغراق و قایع می‌داند. درویشیان با توجه به گره‌گاه اصلی گفتمان رمان، به وسیله توصیف اغراق‌آمیز دارایی عباس‌خان، تصویری عینی از یک شکاف بغرنج طبقاتی را به مخاطب نشان داده است. طبق بررسی‌های انجام شده، این دال شناور با ۱۵٪ فراوانی در گفتمان، بعد از دال «مساوات»، سومین نشانه پرتکرار در رمان مورد مطالعه است.

---

1. Van Leeuwen  
2. Informalization  
3. Actor Description  
4. dramatization

### ۶-۳-۴. دال نفی استبداد

یکی از دال‌های اصلی و مهم سیال در گفتمان درویشیان، عدم سلطه‌پذیری و «نفی استبداد» است. واژه «استبداد» برای تبیین و توصیف وضعیت «دگر» در گفتمان رمان، کارکرد مهمی دارد. این دال نیز در شبکه روابط گفتمان، در رابطه با دال مرکزی معنا یافته و نویسنده با تعریف و تأکید بر آن، کوشیده است تا مخاطب را از روابط سلطه‌آمیز حاکم بر جامعه خود آگاه نماید. در گفتمان درویشیان، فهم دال «نفی استبداد» در قالب دال کلیدی سوسیالیسم میسر است که وی با استفاده از آن، از یک منظر فراخ‌تر به فاصله طبقاتی در گفتمان اشاره کرده است.

پاره‌گفتار ذیل که بخشی از مبارزه «شریف» (خودی) با رژیم محمدرضا شاه (غیرخودی) را به تصویر می‌کشد، حاوی دال «نفی استبداد» در گفتمان ایدئولوژیک نویسنده است:

پاره‌گفتار ۶ به راه افتادیم؛ اما جمعیت کم شده بود. عده‌ای با اتوبوس رفتند. زیرا شعارها داشت تند می‌شد.

- مرگ بر این حکومت فاشیستی

- مرگ بر این رژیم ضد خلقی

و عاقبت شعاری که سال‌ها در گلو خفه شده بود، بیرون زد.

- مرگ بر شاه خائن.

در میدان شوش، گارد در انتظار بود (درویشیان، ۱۳۷۹: ۱۱۸۷).

عبارت «شعاری که سال‌ها در گلو خفه شده بود»، به بافت موقعیتی استبدادآمیزی که این گفتمان در آن تولید شده است، اشاره می‌کند. بر این اساس، اگر بخواهیم مفاهیم مطرح در گفتمان رمان را از سطح جمله و روابط دستوری به سطح متن بزرگ‌تر یعنی جامعه منتقل کنیم، خواهیم دید که این اثر در یک زمینه تاریخی خفقان‌آلود تولید شده است.

«شریف» کنشگری است که در این موقعیت، بارها برای تغییر وضعیت و «نفی استبداد» به پا خواسته است. در این مواقع، گفتمان درویشیان با استفاده از استراتژی زبانی توصیف، راهبرد «توضیح<sup>۲</sup>» را به منظور دیگر نمودی منفی برمی‌گزیند. وندایک این راهبرد را در حوزه‌های «معنا» و «استدلال» مطرح کرده و معتقد است که «بنا به این مفهوم، کنش‌های منفی

1. situational context

2. Explanation

اعضای درون گروه معمولاً توجیه می‌شوند، حال آنکه کنش‌های منفی اعضای برون گروه بر اساس ویژگی‌های ذاتی کنشگران توضیح داده می‌شوند» (ون‌دایک، ۱۳۹۴: ۹۷). نویسنده در قطعه زبانی فوق، با استفاده از صفت‌های «فاشیست»، «ضد خلق»، و «خائن»، به توصیف و توضیح شخصیت و رژیم محمدرضا شاه به عنوان «دگر» گفتمان پرداخته است.

به عقیده فر کلاف<sup>۱</sup> (۱۹۲: ۱۹۱)، «دیدگاه و ایدئولوژی خاص نویسنده و تجربیات او در انتخاب واژه‌های مؤثر است». از این رو، این شکل از گزینش واژگان، می‌تواند بیانگر ایدئولوژی خاص علی‌اشرف درویشیان باشد که با تار و پود سوسیالیسم و مارکسیسم درآمیخته است. گفتنی است شیوه گزینش واژگان علاوه بر این که ارزش‌های تجربی متن را نشان می‌دهد، بیان‌گر ارزش‌های رابطه‌ای هم هست. بر همین اساس، نویسنده در عبارت «رژیم ضدخلق»، رابطه دولت با ملت را که به عقیده او مبتنی بر دشمنی است به تصویر کشیده است.

نکته دیگری که در پاره گفتار فوق به لحاظ ایدئولوژیکی شایسته توجه است، تکرار واژه «مرگ» در گفتمان است. در مقوله «تکرار»، برخی واژگان که بار معنایی مهمی دارند، چندین بار در گفتمان تکرار می‌شوند. از این رو، این راهبرد برای کشف کلمات کلیدی متن که ایدئولوژی پنهان آن را روشن می‌سازند، بسیار سودمند است. ون‌دایک در سطح تحلیل بلاغی گفتمان، راهبرد تکرار را مورد توجه قرار داده و در توضیح آن گفته است «تکرار، در مقام یک تمهید بلاغی عام، نقش به‌خصوصی در راهبرد کلی تأکید کردن بر چیزهای خوب ما و چیزهای بد آنها ایفا می‌کند» (ون‌دایک، ۱۳۹۴: ۱۱۳).

در گفتار مورد بحث، درویشیان مفاهیم مهم مورد نظرش را به وسیله «تکرار» مورد تأکید ایدئولوژیکی قرار داده است. به طور مثال، با تکرار کلمه «مرگ» در این جا، بر ضرورت تغییر گفتمان هژمونیک پهلوی و به حاشیه رفتن آن، پای می‌فشارد. این کلمه با آن که بار معنایی مثبتی در متن ندارد، تکرارش اهمیت آن را در روش مبارزه و ایدئولوژی تولیدکننده گفتمان نشان می‌دهد. تحلیل آماری این دال در متن مورد مطالعه که ۱۳٪ فراوانی را نشان داد، بیانگر آن است که این نشانه نسبت به سایر دال‌های شناور در گفتمان، بسامد کمتری دارد.

---

1. Fairclough  
2. Repetition

### ۵-۳-۶. دال آزادی

سوسیالیسم به عنوان گره گاه گفتمان درویشیان، آرمان و ایدئولوژی خود را نویدبخش آزادی سیاسی و همچنین رهایی خلق از بند استثمار داخلی و استعمار خارجی می‌داند. در پیوند با این گره گاه گفتمانی، دال «آزادی» همچون سایر عناصر موجود در گفتمان، معنا و اصالت خود را به دست می‌آورد. به طور کلی، این دال از نشانه‌هایی است که تازمانی که در یک مفصل‌بندی قرار نگرفته باشد، می‌توان معانی و مدلول‌های مختلفی را به آن منتسب کرد. شایان ذکر است که آزادی به مثابه یک دال در گفتمان درویشیان، نه در معنای متعارف سیاسی و حقوقی‌اش در ارتباط با حق آزادی اندیشه و بیان، بلکه در مفهوم رهایی از «سلطه» استعمال می‌شود. پاره‌گفتار ذیل، نمونه کاربرد این شکل از مفهوم آزادی در گفتمان رمان است:

پاره‌گفتار ۷ [شریف] - تو حق نداری لب تر کنی. یک مبارز نباید به الکل پناه ببرد.

[افق] - من برای کشته شدن عجله‌ای ندارم.

[شریف] - اما من عجله دارم. مردم فقیر زیر منگنه رژیم دارند له می‌شوند. یک لحظه غفلت، خیانت است. باید زودتر به دادشان رسید و منگنه را نابود کرد (درویشیان، ۱۳۷۹: ۱۱۸۹).

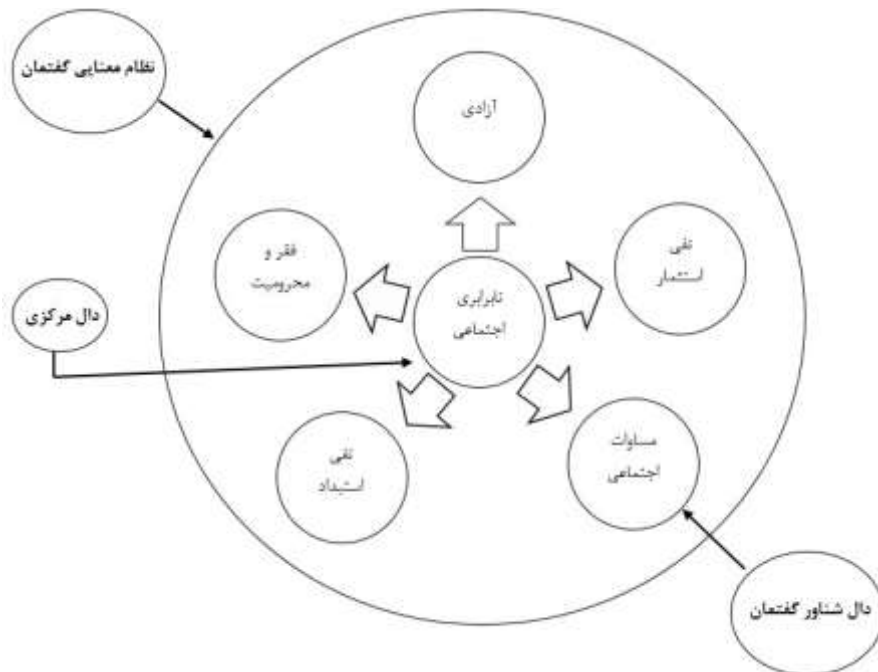
از میان دال‌های شناور موجود در این قطعه زبانی، بین «آزادی» و «نفی استبداد» رابطه و پیوند محکمی برقرار است، چنان‌که می‌توان این دو نشانه را در گفتمان درویشیان، لازم و ملزوم یکدیگر دانست. واژه «منگنه» به عنوان یک استعاره، ارزش‌های تجربی رمزگذاری شده نویسنده را در گفتمان نشان می‌دهد و بیان‌گر شدت فشار نیروی سرکوب است. درویشیان در این پاره‌گفتار با رویارو قرار دادن «مردم فقیر» و «رژیم»، از یک راهبرد مهم گفتمانی که در نظریه ون‌دایک (۲۰۰۳: ۶۷) به «فاصله‌گذاری»<sup>۱</sup> تعبیر می‌شود، استفاده کرده است. این راهبرد، یکی از شیوه‌های تجلی قطبی‌سازی «ما - آن‌ها» در گفتمان است که با واژه‌هایی صورت می‌گیرد که تلویحاً فاصله بین سخن‌گویان درون گروه و سخن‌گویان برون گروه را تداعی می‌کند. درویشیان با کاربست این راهبرد که در خدمت دال مرکزی گفتمان رمان، یعنی «نابرابری اجتماعی» قرار دارد، میان توده مردم محروم و حکومت پهلوی،

---

1. Distancing

فاصله گذاری کرده و از این طریق، هم‌زمان دو ضلع از مربع ایدئولوژیک و ندایک را با هدف خودنمودی مثبت و دیگرنمودی منفی به کار برده است. شایان ذکر است که در این پاره گفتار نباید از کاربرد ایدئولوژیک فعل وجهی «باید» غافل بود. وجهیت رابطه‌ای که به وسیله این فعل در قطعه زبانی فوق نمود یافته است، مسأله اقتدار «شریف» - به عنوان قهرمان مبارزه با استبداد - در رابطه با دیگر مشارکین گفتمان را مطرح می‌کند.

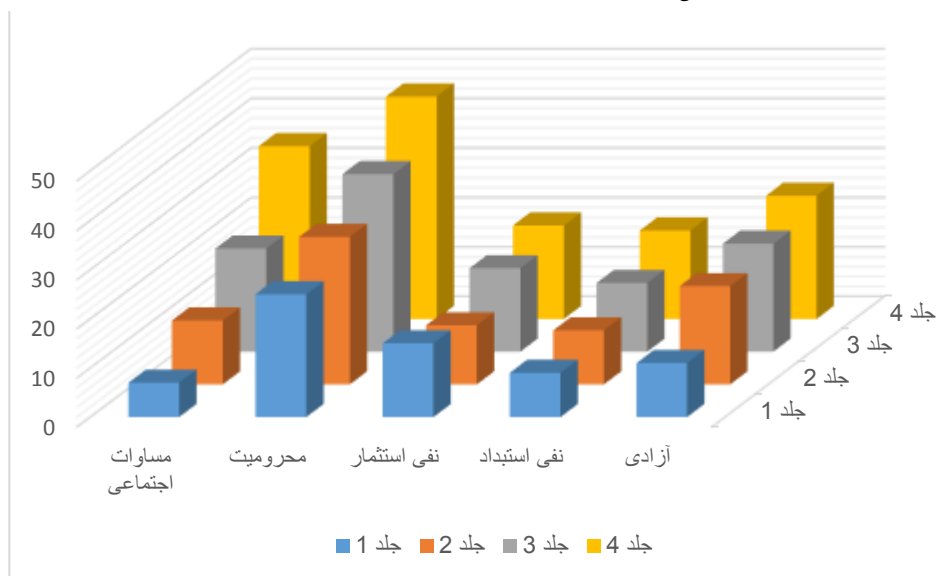
شکل ۲. مفصل‌بندی دال مرکزی و دال‌های شناور در گفتمان



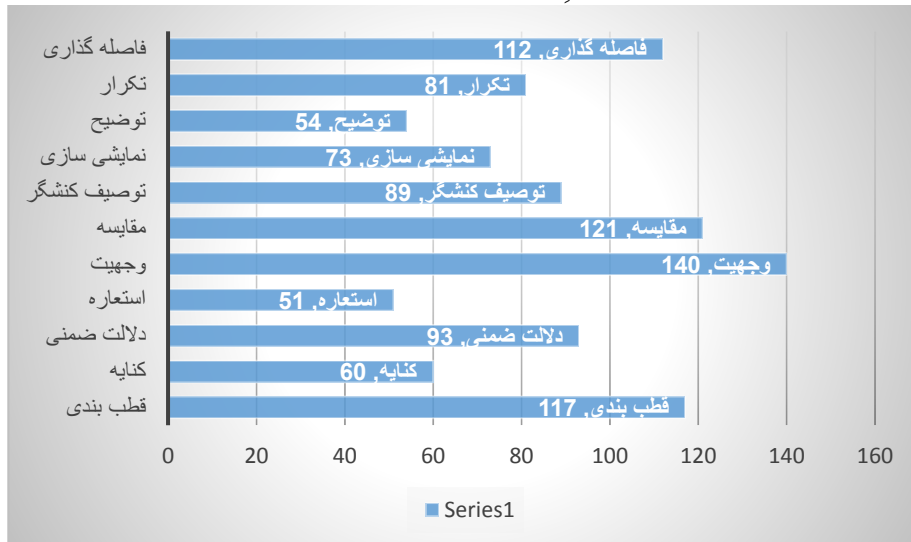
جدول ۱. فراوانی دال‌های شناور در گفتمان رمان

دال‌های شناور در گفتمان	مساوات اجتماعی	محرومیت	نفی استنثار	نفی استبداد	آزادی
درصد کلی دال‌های شناور	٪۱۹	٪۳۴	٪۱۵	٪۱۳	٪۱۹
جمع کل	۷۶	۱۳۶	۶۳	۵۲	۷۸
درصد فراوانی دال در جلد ۴	٪۲۶	٪۳۴	٪۷	٪۱۴	٪۱۹
فرکانس دال در جلد ۴	۳۵	۴۵	۱۹	۱۸	۲۵
درصد فراوانی دال در جلد ۳	٪۱۹	٪۳۳	٪۱۵	٪۱۳	٪۲۰
فرکانس دال در جلد ۳	۲۱	۳۶	۱۷	۱۴	۲۲
درصد فراوانی دال در جلد ۲	٪۱۵	٪۳۵	٪۱۴	٪۱۳	٪۲۳
فرکانس دال در جلد ۲	۱۳	۳۰	۱۲	۱۱	۲۰
درصد فراوانی دال در جلد ۱	٪۱۱	٪۳۷	٪۲۲	٪۱۴	٪۱۶
فرکانس دال در جلد ۱	۷	۲۵	۱۵	۹	۱۱

شکل ۳. نمودار دال‌های شناور در گفتمان رمان



شکل ۴. نمودار فراوانی راهبردهای تحلیل ایدئولوژیکی در کلّ رمان



### ۷. نتیجه گیری

تحلیل داده‌های پژوهش حاضر، نشان می‌دهد که گفتمان رمان مورد بحث با مرکزیت بخشیدن به یک دسته از دال‌های شناور (محرومیت، آزادی، مساوات و غیره)، به مفصل‌بندی هویت کانونی خود پرداخته که حاصل این فرایند، به خلق یک غیریت در برابر آن انجامیده است. نویسنده این رمان با استفاده از راهبرد «قطب‌بندی»، توده مردم ایران را که نابرخوردار از امکانات موجود در جامعه هستند، در قالب گروه خودی، و زمین‌داران و صاحبان صنایع را به عنوان «دگر»های گفتمان خود بازنمایی کرده است. این نابرابری اجتماعی که دال مرکزی گفتمان رمان را تشکیل می‌دهد، با کاربست راهبرد فاصله‌گذاری، مفهوم استثمار و مفاهیم مرتبط با آن را در نظام معنایی اثر مورد تأکید قرار داده است. با کمک تحلیل انتقادی رمان آشکار شد که این روایت، ساختاری معنادار از نشانه‌های زبان‌شناختی و فرازبان‌شناختی دارد که نویسنده آنها را با هدف تثبیت و معنابخشی به دال مرکزی گفتمان، صورت‌بندی نموده است. ثبات رابطه دال‌ها با دال مرکزی در یک مفصل‌بندی، باعث شده است که گفتمان درویشیان، یک گفتمان منسجم باشد. تعامل دال‌های سیال با یکدیگر و برهم‌کنش آنها، زمینه تبدیل نابرابری اجتماعی به دال مرکزی را فراهم کرده است که خود در راستای

ایدئولوژی سوسیالیستی نویسنده قرار دارد. همه این دال‌ها، معنای خود را نه در ارجاع به فراگفتمان، بلکه در قالب گفتمان مشخص رمان مورد بحث، کسب کرده‌اند.

### تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

### ORCID

Reza Ghanbari  
Abdolmaleki



<https://orcid.org/0000-0002-5308-0775>

Ailin firoozian  
pouresfahani



<https://orcid.org/0000-0001-5208-7580>

### منابع

- آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۶). تحلیل گفتمان انتقادی و ادبیات. *فصلنامه ادب پژوهی*، ۲(۱)، ۱۷-۲۷.
- پنیکوک، الستر. (۱۳۷۸). گفتمان‌های قیاس‌ناپذیر (ترجمه سیدعلی اصغر سلطانی). *فصلنامه علوم سیاسی*، ۱(۴)، ۱۱۸-۱۵۷.
- جهان‌نیده، سینا. (۱۳۹۶). تحلیل گفتمان انتقادی تلمیح و ایدئولوژی با تأکید بر شعر احمد شاملو بر پایه نظریات فرکلاف و ون‌دایک. *فصلنامه مطالعات نظریه و انواع ادبی*، ۲(۱)، ۱۴۹-۱۷۶.
- حامدی شیروان، زهرا و زرقانی، مهدی. (۱۳۹۳). تحلیل داستان رستم و شغاد بر اساس مربع ایدئولوژیک وندایک. *فصلنامه کاوش‌نامه زبان و ادبیات فارسی*، ۱۵(۲۸)، ۹۹-۱۲۹.
- حسینی سروری، نجمه. (۱۳۹۲). «نیمه غایب» و بازنمایی جدال سنت و تجدد در ایران دهه شصت؛ تحلیل گفتمان رمانی از حسین سناپور. *فصلنامه پژوهشنامه نقد ادبی و بلاغت*، ۲(۱)، ۹۷-۱۱۶.
- خلجی، عباس. (۱۳۸۶). *ناسازه‌های نظری و ناکامی سیاسی گفتمان اصلاح طلبی*. پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی. دانشگاه تهران.
- درویشیان، علی‌اشرف. (۱۳۷۹). *سال‌های ابری*. تهران: نشر چشمه
- شاکری، عبدالرسول و دزفولیان، کاظم. (۱۳۹۳). رمان پاورقی و تاریخ سیاسی معاصر: خوانشی تحلیل گفتمانی از رمان ده نفر قزلباش. *فصلنامه تاریخ ایران*، ۵(۷۳)، ۸۳-۱۰۹.
- صفایی، علی و سلطانی، بهروز. (۱۳۹۴). تحلیل گفتمان انتقادی نامه امام علی (ع) به معاویه. *جستارهای زبانی*، ۷(۷)، ۲۳-۴۹.



صفایی، علی، نیکویی، علیرضا و مغیث امیرحسن. (۱۳۹۷). صورت‌بندی گفتمان و استراتژی‌های زبانی داستان «پسرک لب‌فروش» صمد بهرنگی با رویکرد تحلیل گفتمان لاکلائو و موف. فصلنامه پژوهش‌های زبان‌شناسی تطبیقی، ۸ (۱۶)، ۱۸۱-۱۹۷.

طاهرزاده، مریم، ابوالحسنی، زهرا و صیامیان گرجی، زهیر. (۱۳۹۸). بازیابی راهبردهای ایدئولوژیک در گفتمان کتاب‌های دانشگاهی. فصلنامه پژوهش و نگارش کتب دانشگاهی، ۲۳ (۴۴)، ۴۹-۷۵.

لاکلائو، ارنستو و شانتال موف (۱۳۹۲). هژمونی و استراتژی سوسیالیستی دموکراتیک (ترجمه محمد رضایی). تهران: نشر نی.

مقصودی، مجتبی و حاجی‌پور ساردویی، سیمین. (۱۳۹۲). انسان به مثابه دال مرکزی در گفتمان اعتدال: مطالعه الگوی حکومتی علی (ع). فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، ۵ (۳۵)، ۸۱-۱۱۳.

میراحمدی، حلیمه و تجلی اردکانی، اطهر. (۱۳۹۶). تحلیل گفتمان اوصاف طبیعت و احوال اجتماع در اشعار مهدی اخوان ثالث بر اساس رویکرد ون دایک. فصلنامه پژوهش‌های ادبی، ۱۴ (۵۷)، ۲۹-۶۲.

ون‌دایک، تئون. (۱۳۹۴). ایدئولوژی و گفتمان (محسن نوبخت). تهران: نشر سیاه‌رود.  
هوراث، دیوید. (۱۳۷۹). نظریه گفتمان (مجموعه مقالات گفتمان و تحلیل گفتمانی، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، به اهتمام محمدرضا تاجیک). تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.  
یورگنسن، ماریان، و لوئیز فیلیس. (۱۳۸۹). نظریه‌ها و روش در تحلیل گفتمان. تهران: نشر نی.

## References

- Agha Golzadeh, F. (2007). Critical discourse analysis and literature. *Literature Research*, 1 (1), 17- 27. [In Persian]
- Darvishian, A (2000). *Cloudy Years*. Tehran: Cheshmeh Publications. [In Persian].
- Fairclough, N. (1992). *Discourse and Social Change*. Cambridge: Polity Press.
- Hamed, Z. & Zarghani, M. (2014). Critical discourse analysis of the story of Rostam and Shaqad based on Van Dijk's ideological square. *Journal of Research in Persian Language and Literature*. 15 (28). 99-129. [In Persian]
- Hosseini Sarvari, N. (2013), The Absent Hall, Representation of the conflicts between Traditionalism and Modernism in Iran during 1980s. *Journal of Literary Criticism and Rhetoric*, 2 (1), 97- 116 [In Persian].

- Howarth, D (2000), *Theory of discourse* (translated by Amir Mohammad Haji Yousefi). Tehran: Farhang Gofman Publications [In Persian].
- Jahandide, S. (2016). *Analysis of implicit critical discourse and ideology with emphasis on the poetry of Ahmad Shamloo based on the theories of Fairclough and Van Dijk*. Studies on Literary Theory and Genres. 2(1). 149- 176. [In Persian]
- Jorgensen, M. & Phillips, L. (2010). *Theory and Method in Discourse Analysis*. (Translated by H. Jalili). Tehran: Ney Publications. [In Persian].
- Khalaji, A. (2007). *Theoretical Mismatches and Political Failures of the Reformist Discourse*. PhD Thesis in Political Science, University of Tehran. [In Persian]
- Laclau, E. & Mouffe, Ch. (1985). *Hegemony and Socialist Stateegy: Towards a Radical Democratic Politics*. United Kingdom. London: Verso
- Laclau, E. (1990). *New Reflections on the Revolution of Our Time*. London: Verso.
- Laclau, E. & Mouffe, C. (2001). *Hegemony and Socialist Strategy*. London: Verso.
- Laclau, E & Mufe, Ch (2013), *Hegemony and socialist strategy* (Translated by Mohammad Rezaei). Tehran: Ney Publications. [In Persian]
- Maghsoudi, M & Hajipour, S. (2013). Man as a central signifier in the discourse of moderation: a study of Ali's governance model. *Political and International Approaches*, 5 (35), 81- 113. [In Persian]
- Mirahmadi, M. & Tajalli, A. (2017). *Interconnection of nature descriptions and society situation in Mehdi Akhavaan Sales's poetry by looking at critical discourse analysis*. Literary Research, 14(57), 29-62. [In Persian]
- Pennycook, E (1999), Incomparable discourses (Translated by A. A. Sultani). *Political Science*. 1 (4), 118-157. [In Persian].
- Safayi Sangari, A., Nikouei, A. & Moghiss, A. (2019). The discourse formalization and language strategies employed by Samad Behrangi in the story of boiled-beet selling lad: A Lacla and Mouffe's Discourse analysis (DA) method. *Journal of Comparative Linguistic Researches*, 8 (16), 181-197. [In Persian]
- Safayi, A. & Soltani, B. (2017). Critical discourse analysis of Imam Ali's (AS) letter to Muawiyah. *Language Related Research*, 7 (7), 23- 49. [In Persian]
- Shakeri, A. & Dezfolian, K. (2014). Serial novels and the contemporary political history: A discourse analysis of ten Ghezelbash. *Journal of Iran History*, 7 (1), 83-109. [In Persian]
- Taherzadeh, M., Abolhassani Chimeh, Z. & Siamian, Z. (2019). Retrieval of the ideological strategies in the university textbooks, A study of textbooks

- on medieval Iran history. *Biannual Journal University Textbooks: Research and Writing*, 23 (44), 49- 75. [In Persian]
- Van Dijk, T. (2003). *Ideology and discourse (A Multidisciplinary Introduction)*. English Version of an Internet course For the Oberta de Catalvyna (UOC), from <http://www.discourse-in-society.org>
- Van Dijk, T. (2000). *Ethnic Minorities and the Media*. News Racism: A Discourse Analytical Approach, 33-49.
- Van Dijk. T. (2005). Politics, Ideology and Discourse. In K. Brown (Ed.), *Encyclopedia of Language and linguistics* (Volume on Politics and Language), (pp. 728- 740). Amsterdam: Elsevier.
- Van Leeuwen, T. (2008). *Discourse and Practice, New Tools for Critical Discourse Analysis*. New York: Oxford University Press.
- Van Dijk, T. (2015). *Ideology and Discourse* (Translated by Mohsen Nobakht). Tehran: Siahroud Publications. [In Persian].

---

**استناد به این مقاله:** قنبری عبدالملکی، رضا، فیروزیان پوراصفہانی، آیلین. (۱۴۰۱). تحلیل انتقادی دال مرکزی و برہم گنیش دال‌های شناور در گفتمان رمان «سال‌های ابری» بر اساس رویکرد لاکلائو و مربع ایدئولوژیک وندایک. علم زبان، ۹ (۱۶)، ۱۴۱-۱۶۷. Doi: 10.22054/LS.2021.57800.1419



Language Science is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.